

مقایسه سبک‌های دلبستگی و باور به دنیای عادلانه بین دختران نوجوان با رفتارهای خودآسیب رسانی و عادی

مریم بهشتی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه سبک‌های دلبستگی و باور به دنیای عادلانه بین دختران نوجوان با رفتارهای خودآسیب رسانی و عادی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل دختران نوجوان منطقه ۲ شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بودند. نمونه‌های پژوهش شامل ۲۰۰ نفر که ۱۰۰ نفر از آنها حداقل یکبار رفتار خود جرحی غیر خودکشی را انجام داده بودند و ۱۰۰ نفر بدون سابقه رفتار خودجرحی بودند. نمونه‌گیری به شیوه در دسترس انجام شد. برای گردآوری داده‌ها از مقیاس رفتارها و کارکردهای خود جرحی کلونسکی و گلن (۲۰۰۹)، باور به دنیای عادلانه داگلاس و ساتون (۲۰۰۵)، دالبرت، لیکوس، سالی و گوچ (۲۰۰۱) و سبک‌های دلبستگی کولینزو و رید در سال (۱۹۹۰) استفاده شد. پژوهش علی-مقایسه‌ای بود که برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. یافته‌ها نشان داد، تفاوت معنی‌داری در سبک دلبستگی نزدیک بودن بین دختران نوجوان با رفتارهای خودآسیب رسانی و عادی وجود دارد ($p < 0/001$) و بین سبک‌های وابستگی و اضطرابی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. مقادیر میانگین حاکی از پایین بودن سبک نزدیک بودن در دختران نوجوان با رفتارهای خودآسیب رسانی نسبت به گروه عادی بود. همچنین از بین ابعاد باور به دنیای عادلانه، تنها مؤلفه باورهای دنیای ناعادلانه در بین دختران نوجوان با رفتارهای خودآسیب رسانی و عادی تفاوت معنی‌داری نشان داد ($p < 0/001$). که میانگین باورهای دنیای ناعادلانه در بین دختران نوجوان با رفتارهای خودآسیب رسانی بالاتر از گروه عادی بود.

واژه‌گان کلیدی: سبک‌های دلبستگی، باور به دنیای عادلانه، رفتارهای خودآسیب رسانی.

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

مقدمه

دوره نوجوانی، مرحله مهم و برجسته رشد و تکامل اجتماعی و روانی فرد به شمار می‌رود. دگرگونی‌های اجتماعی- روانی در این دوره، نیاز به استقلال، آزادی طلبی، شکل-گیری شخصیت و پذیرش همسالان را در فرا توسعه می‌دهد. در صورتی که این خصوصیات دوره نوجوانی نادیده گرفته شوند، با خطر احتمالی رخداد بسیاری از رفتارهای ناسالم همراه خواهد بود (فرگوسن و هوروود^۱، ۱۹۹۵؛ میرغفاری شاهد، ۱۳۹۶). یکی از این رفتارهای ناسالم خطرزا، روی دادن ناهنجاری‌هایی مانند آسیب‌های عمدی به خود است که از جمله مشکلات روانی- اجتماعی شایع در میان نوجوانان امروزی است (حکیم شوشتری و خانی پور، ۱۳۹۳) و به میزان زیادی در همه فرهنگ‌ها یافت می‌شود و تحت عنوان تخریب عمدی یا تغییر بافت‌های بدن بدون قصد آشکار و خودکشی تعریف شده است (فاوازا^۲، ۱۹۹۸). رفتارهای خودآسیبی^۳، شامل انواع مختلفی از رفتارهایی است که با هدف‌های مختلف روانشناختی و بین فردی به شکل‌های مستقیم (آسیب عمدی به بافت‌های بدن مانند خودزنی، کوبیدن سر به دیوار) و غیر مستقیم (مانند رفتارهای خطرجویانه، سوء مصرف مواد و الکل، عادت‌های ناسازگار خوردن) انجام می‌شوند و این رفتارها ممکن است با یا بدون نیت خودکشی باشند و به لحاظ اجتماعی و فرهنگی مورد قبول اکثریت نیستند (ناک و همکاران^۴، ۲۰۰۷). در حوزه آسیب‌شناسی مرضی این رفتارها از قدیم الایام به عنوان نشانه‌های برخی از اختلالات روانی به ویژه اختلالات شخصیت مرزی، اختلالات فراگیر رشد و اختلال کنترل تکانه در نظر گرفته می‌شدند؛ اما در

1- Fergusson and Horwood

2- Favazza

3- self-injury behaviors

4- Nock et al

سالهای اخیر هم به دلیل افزایش شیوع این رفتار و هم افزایش حجم پژوهش‌هایی که به این مساله اختصاص یافته است، پیشنهاد طبقه تشخیصی با عنوان نشانگان "خودجرحی غیر خودکشی" داده شده است (یاس فرد، ۱۳۹۷). مطالعات مختلف نشان داده‌اند که آسیب عمدی به خود، می‌تواند خطر خودکشی را افزایش و با سابقه بدهد رفتاری دوران کودکی ارتباط دارد (خانی پور، برجعلی و فلسفی نژاد، ۱۳۹۵). بنابراین توجه به تجربه‌های دوران کودکی به ویژه روابط با والدین و مراقبان اولیه کودک نقش مهمی در پیش بینی اختلالات و مشکلات روانی کودک در آینده داشته باشد. کودکان در سالهای اولیه زندگی، با افرادی که با ایشان در تعامل هستند پیوند عاطفی نسبتاً پایداری برقرار می‌کنند و در حضور آنها احساس امنیت می‌کنند. بالبی^۱ که برای اولین بار این رابطه عاطفی را دلبستگی^۲ نامید، معتقد است که دلبستگی در کودکی نقش حیاتی را در زندگی انسان ایفا می‌کند. روابط دلبستگی توأم با امنیت می‌تواند در روابط بین فردی آتی نقشی تسهیل کننده داشته باشد که در صورت شکل گرفتن این نوع دلبستگی فرد به نظام ارزشی و نگرشی مثبت و با روش منطقی از خود و دیگران می‌رسد. بالبی می‌گوید دلبستگی، رفتار انسان را از گهواره تا گور مشخص می‌کند (ساتر^۳، ۲۰۱۰).

در زمینه دلبستگی سه نوع دلبستگی از یکدیگر متمایز شده است. الف - سبک ایمن^۴: افراد دارای این سبک برایشان آسان است که با دیگران رابطه نزدیکی برقرار کنند و از اینکه به دیگران تکیه کنند و نیز اجازه دهند که دیگران به آنها تکیه کنند، احساس راحتی می‌کنند. این افراد از اینکه دیگران آنها را ترک کنند یا خیلی به آنها نزدیک شوند،

1- Bowlby

2- Attachment

3- Sater

4- Secure Attachment Style

احساس نگرانی نمی‌کنند. ب - سبک اجتنابی^۱: افراد دارای این سبک از اینکه به دیگران نزدیک شوند، احساس ناراحتی می‌کنند و نمی‌توانند به طور کامل به دیگران اعتماد کنند. برای این افراد مشکل است که به خودشان اجازه دهند که به دیگران تکیه کنند، وقتی می‌بینند که کسی می‌خواهد به آنها نزدیک شود، عصبی می‌شوند و احساس می‌کنند که دیگران اغلب می‌خواهند بیشتر از حدی که آنها احساس راحتی می‌کنند با آنها صمیمی باشند. ج - سبک مضطرب - دوسوگرا^۲: افراد دارای این سبک، کسانی هستند که احساس می‌کنند دیگران مایل نیستند آنقدر که آنها دوست دارند با آنها رابطه نزدیک داشته باشند. آنها اغلب نگران هستند که همسرشان واقعاً آنها را دوست نداشته باشد که در آینده با آنها زندگی کند. آنها مایلند که با بعضی افراد کاملاً یکی شوند ولی این خواسته بعضی اوقات باعث ناراحتی و دوری مردم از آنها می‌شوند (کولینز و رید^۳، ۱۹۹۴). با توجه به تعاریف و پیامدهای سبک‌های متفاوت دلبستگی، به نظر می‌رسد، سبک‌های دلبستگی در بروز رفتارهای خود آسیب‌رسان در دوره نوجوانی نقش داشته باشد. همان طور که نتایج پژوهش میرغفاری شاهد (۱۳۹۶)، نشان داد که رابطه‌ای منفی معنی دار میان سبک دلبستگی ایمن و نمره خود زنی مشاهده شد. در مورد سبک دلبستگی مضطرب دوسوگرا، رابطه معنی داری میان این سبک و نمره آسیب به خود مشاهده نشد اما در مورد سبک دلبستگی اجتنابی، با افزایش نمره این سبک در نمونه مورد بررسی، مقدار خود زنی از لحاظ آماری افزایش معنی داری داشته است. همچنین نتایج پژوهش پیوسته

1- Avoidant Attachment Style

2- Ambivalent Attachment Style

3- Collins & Read

گر (۱۳۹۲) نشان داد خطر رفتارهای خودآسیبی در دانش آموزان دارای سبک دلبستگی نایمن بالاست.

متغیر دیگری که در بررسی تفاوت‌های فردی نوجوانان خودآسیب رسان با نوجوانان عادی، مدنظر محقق قرار گرفته است، باور به دنیای عادلانه^۱ است. باور به دنیای عادلانه به عنوان یک قرارداد شخصی بین شخص و دنیای اجتماعی اوست. این قرارداد بر تعهد نسبت به عمل و حفظ عمل به شیوه‌ای عادلانه استوار است. هرچه افراد، باور قاطع‌تری به دنیای عادلانه داشته باشند، تلاش و کوشش بیشتری هم برای عدالت و هم برای اصلاح یا توجیه بی‌عدالتی به خرج می‌دهند (لرنر و سایمونز^۲، ۱۹۶۶، به نقل از بهشتی و صابری، ۱۳۹۷). از چنین منظری به طور خلاصه باور به دنیای عادلانه نوعی آمادگی شخصی است و به طور طبیعی، کسانی که اعتقاد و باور نیرومندتری داشته باشند خود به شیوه‌ای منصفانه و براساس قواعد عدالت رفتار می‌کنند و در کل این باور، رفتارها و کارکردهای روزمره زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و برعکس باور به دنیای ناعادلانه، انعکاسی از دنیای سرشار از بی‌عدالتی است که در آن بی‌گناهان به جای گناهکاران مورد کیفر واقع می‌شوند، شایستگی و استحقاق پاداش داده نمی‌شود و گناهکاران از زیر بار مجازات می‌گریزند (فورنهام^۳، ۲۰۰۳). بنابراین باور به دنیای ناعادلانه باعث بدبینی و منفی‌نگری و رفتارهایی می‌شود که از طریق نفع شخصی بدون احساس الزام و تعهد به هیچ قاعده‌ای عادلانه‌ای تغذیه می‌شود. باور به دنیای عادلانه حس اعتماد و برعکس باور به دنیای ناعادلانه حس بی‌اعتمادی و بدگمانی را فراهم می‌کند. وقتی افراد دارای باور به دنیای عادلانه باشند و با بی‌عدالتی

1- Belief in a just world

2- lerner & simons

3- Furnham

مواجه شوند (در شرایطی که نتوانند موقعیت را تغییر دهند) با علایمی شبیه به افسردگی^۱ یا دلیل تراشی و توجیه (مثل سرزنش قربانیان به بی عدالتی به عنوان کسانی که مستحق چنین بی عدالتی هستند) پاسخ می‌دهند. اما در مقابل افراد دارای باور به دنیای ناعادلانه، وقتی با بی عدالتی مواجه می‌شوند احتمالاً با سوگیری خدمت به خود و با بدگمانی و سوء ظن پاسخ می‌دهند (گل پرور، ۱۳۸۹). در واقع باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، باورهایی مبتنی بر تعلقات عملگرایانه شناختی متفاوتی هستند که با توجه به ماهیت خود، هر یک تبعات روان شناختی متفاوتی را برای انسان‌ها به بار می‌آورند (شاکری، آقایی، شاه حسینی و یینا، ۱۳۹۷). از مهم‌ترین پیامدهای مثبت برای باور به دنیای عادلانه تجربه حالات روانشناختی مثبت، افزایش احساس سلامتی عمومی، زندگی رضایت بخش، سازگاری راحت‌تر فرد با زندگی پس از تجاوزات جنسی، و از پیامدهای منفی باور به دنیای عادلانه، افزایش استرس و دلهره، افسردگی و اضطراب، نارسایی در عملکردهای اجتماعی و تمایل به خودکشی است (فچن هوور، جاکوبز و بلس چاک^۲، ۲۰۰۵؛ دزوکا و دالبرت^۳، ۲۰۰۷). با توجه به پیامدهای ناشی از باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه در ابعاد مختلف زندگی، بررسی و مقایسه این متغیر در بین نوجوانانی که اقدام به آسیب عمدی به خود می‌کنند با سایر نوجوانان موضوعی ضروری و قابل توجه است.

بر اساس پژوهش‌های بین‌المللی، نرخ افکار و رفتارهای خودکشی در گذر به نوجوانی به صورت بسیار زیادی افزایش می‌یابد و بیشترین شیوع ایده پردازدی درباره خودکشی مربوط به اواسط نوجوانی است (سازمان جهانی بهداشت^۴؛ ۲۰۰۵ به نقل از یاس فرد،

1- Depression

2- Fetchenhauer, Jacobs & Belschak

3- Dzuka & Dalbert

4- World Health Organization

۱۳۹۷). بنابراین نوجوانان بیشتر از سایر گروه‌های سنی در معرض خودآسیب‌رسانی هستند. یافته‌ها همچنین حکایت از این دارند که شیوع این نوع رفتارها به ویژه از نوع خودجراحی بدون خودکشی در یک دهه اخیر شایع‌تر شده است (ناک، ۲۰۱۰). با این که پژوهش‌های مرتبط با این موضوع به ویژه از سال ۲۰۰۰ به بعد به میزان چشمگیری افزایش یافته است و اطلاعات زیادی درباره این رفتار در نوجوانان و بزرگسالان به دست آمده است، اما اطلاعات درباره ویژگی‌های روان‌شناختی این نوع رفتارها در نوجوانان ایرانی بسیار اندک است. علاوه بر این هنوز درباره طبقه‌بندی این اختلال در DSM اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد و در نسخه جدید با عنوان نشانگان خودجراحی غیر خودکشی برای اولین بار مطرح به عنوان یک نشانگان مستقل مطرح شده است و جزو اختلال‌هایی برشمرده شده است که نیاز به مطالعات بیشتر است (خانی پور، ۱۳۹۵). بر همین اساس پژوهش حاضر با محوریت شناخت نوعی رفتار خودآسیب‌رسان در نوجوانان، "رفتار خود جراحی غیر- خودکشی" که با عباراتی چون: "خون بازی"، "خودزنی" و یا "تیغ‌زنی" مصطلح است، به دنبال شناسایی عوامل مؤثر در بروز این رفتار می‌باشد. و براساس هدف پژوهش مبنی بر مقایسه سبک‌های دلبستگی و باور به دنیای عادلانه بین نوجوانان با رفتارهای خودآسیب‌رسان و عادی، فرضیه زیر مطرح شده است:

بین سبک‌های دلبستگی و باور به دنیای عادلانه بین نوجوانان با رفتارهای خودآسیب‌رسان و عادی تفاوت وجود دارد.

روش

روش پژوهش علی‌مقایسه‌ای و جامعه آماری در برگیرنده نوجوانان دختر منطقه ۲ شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بودند. نمونه‌های پژوهش شامل ۲۰۰ نفر که ۱۰۰ نفر از آنها حداقل

یکبار رفتار خود جراحی غیر خودکشی را انجام داده بودند و ۱۰۰ نفر بدون سابقه رفتار خودجراحی بودند. نمونه گیری به شیوه در دسترس انجام شد. لازم به توضیح است که حداقل نمونه برای تحقیقات علی-مقایسه‌ای ۳۰ نفر برای هر گروه می‌باشد (دلاور، ۱۳۹۲). برای نمونه گیری، ابتدا در بین مدارس دخترانه مقطع دبیرستان، مقیاس رفتارها و کارکردهای خود جراحی کلونسکی و گلن^۱ (۲۰۰۹) که یک ابزار خود گزارشی است، اجرا شد، سپس از بین آنها تعداد ۱۰۰ نفر که براساس این مقیاس دارای حداقل یکبار رفتار خود جراحی غیر خودکشی بودند و برای شرکت در پژوهش رضایت داشتند، به عنوان نمونه اول انتخاب شدند و ۱۰۰ نفر دانش آموزانی بدون رفتار خودجراحی غیر خودکشی به عنوان نمونه گروه عادی انتخاب شدند. سپس پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی و باور به دنیای عادلانه در بین دو گروه اجرا شد و پس از تکمیل جهت تجزیه و تحلیل آماری وارد نرم افزار SPSS-25 شدند. تجزیه و تحلیل اطلاعات ابتدا به صورت توصیفی بوده که شامل میانگین، انحراف معیار و... و در بخش دوم برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد.

ابزار پژوهش

۱- **مقیاس رفتارها و کارکردهای خود جراحی:** این مقیاس توسط کلونسکی و گلن (۲۰۰۹) طراحی شده و یک ابزار خود گزارشی است که فراوانی و عملکرد رفتارهای خودجراحی غیر خودکشی را ارزیابی می‌کند. این سیاهه دو بخش دارد. بخش اول پرسشنامه فراوانی ۱۲ نوع متفاوت رفتارهای خود جراحی را که به صورت عمدی (آگاهانه)

^۱- Klonsky & Glenn

اما نه به قصد خود کشی انجام می‌شوند شامل: کوبیدن/زدن، گاز گرفتن، سوزاندن، خالکوبی، بریدن، دستکاری زخم، نیشگون گرفتن خود، موکنی، مالیدن پوست به سطوح خشن، خارش شدید، فروکردن سوزن در بدن و خوردن مواد شیمیایی خطرناک را غربالگری می‌کند. همچنین پرسشنامه برخی ویژگی‌های توصیفی رفتارهای آسیب رسان غیر خود کشی گرا مانند: تاریخ اولین اقدام و تاریخ جدیدترین اقدام به خود آسیب رسانی را ارزیابی می‌کند. بخش دوم پرسشنامه عملکرد رفتارهای خود آسیب رسان غیر خود کشی-گرا را ارزیابی می‌کند. این بخش ۱۳ عملکرد رفتارهای خود آسیب رسان را که در مطالعات تجربی و از لحاظ نظری مورد تأیید قرار گرفته‌اند ارزیابی می‌کند (کلونسکی، ۲۰۰۷). این ۱۳ عملکرد به دو زیر عامل کلی طبقه بندی شده‌اند: کارکردهای درون فردی (تنظیم عاطفی، ضد گسستگی، ضد خود کشی، نشان پریشانی و خود تنبیهی) و کارکردهای بین فردی (استقلال، حریم‌های بین فردی، تأثیر بین فردی، وابستگی به همسالان، انتقام، مراقبت از خود، هیجان خواهی و سرسختی). گزینه‌ها به صورت لیکرت سه گزینه‌ای تدوین شده است که از ۰ (کاملاً غیر مرتبط)، ۱ (تاحدی مرتبط) و ۲ (کاملاً مرتبط) درجه بندی شده است. بنابر این هر یک از خرده مقیاس‌ها از ۰ تا ۶ نمره گذاری می‌شوند. همچنین میانگین نمره مقیاس‌های کلی از جمع نمرات خرده مقیاس‌ها بر تعداد آنها به دست می‌آید. در پژوهش روانسنجی این مقیاس بر روی ۲۳۵ دانشجو که دست کم یک بار سابقه خودجراحی بدون خودکشی داشتند، ساختار دو عاملی (عوامل درون فردی و عوامل بین فردی) برای آن استخراج شد. آلفای کرونباخ برای عوامل درون فردی و بین فردی به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۰ به دست آمد و نشان داده شده است. نمره شرکت کنندگان در این مقیاس با مقیاس‌های بالینی سنجش نشانه‌های شخصیت مرزی، خودکشی، افسردگی

و اضطراب همبستگی دارد (کلونسکی و گلن، ۲۰۱۱). در پژوهش خانی‌پورو همکارانش (۱۳۹۵)، ضریب آلفای کرونباخ نمره کل این آزمون ۰/۹۴ گزارش شده است.

۲- پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی: این پرسشنامه توسط کولینزو رید در سال (۱۹۹۰) تهیه شده که کولینزو در سال (۱۹۹۶) آن را اصلاح کرد و شامل ۱۸ گویه است. طیف نمره گذاری سؤالات بر اساس لیکرت (کاملاً مخالفم، ۱؛ مخالفم، ۲؛ نظری ندارم، ۳؛ موافقم، ۴؛ کاملاً موافقم، ۵) است. در ایران پاک دامن در سال ۱۳۸۰ این پرسش نامه را بررسی و روایی کرد. با تحلیل عوامل، ۳ زیر مقیاس که هر مقیاس شامل ۶ ماده است، مشخص می‌شود. ۳ زیر مقیاس عبارتند از: وابستگی (D): میزانی را که آزمودنی‌ها به دیگران اعتماد می‌کنند و به آنها متکی می‌شوند. به این صورت که آیا در مواقع لزوم قابل دسترسی‌اند، شامل سؤال‌های ۲، ۵، ۷، ۱۴، ۱۶ و ۱۸ می‌باشد. نزدیک بودن (C): میزان آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه گیری می‌کند. شامل سؤال‌های ۱، ۶، ۸، ۱۲، ۱۳ و ۱۷ می‌باشد. اضطرابی (A): ترس از داشتن رابطه را می‌سنجد. شامل سؤال‌های ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۵ می‌باشد. در پژوهش کولینزو و رید (۱۹۹۰)، با توجه به اینکه آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است. آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است. از سوی دیگر در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون با استفاده از آزمودن مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. این پرسش نامه (RAAS) در مورد ۱۰۰ دختر و پسر کلاس دوم دبیرستان که به طور تصادفی انتخاب شده بودند اجرا گردید. نتایج حاصل از دوبار اجرای این پرسش نامه با فاصله‌ی زمانی یک ماه از یکدیگر، بیانگر آن بود که این آزمون در سطح ۰/۹۵ دارای اعتبار است. پایایی زیر مقیاس نزدیکی: ۰/۷۳، وابستگی: ۰/۶۸ و اضطراب: ۰/۷۴ به دست آمد. ضریب همبستگی بین زیر مقیاس‌های

نزدیکی و اضطراب، اضطراب و وابستگی در سطح معنادار $0/001$ به ترتیب $0/313$ - و $0/336$ - می‌باشد و ضریب همبستگی بین نزدیکی و وابستگی در سطح معنادار $0/014$ مقدار $0/246$ به دست آمد (پاک دامن، 1380). برای بررسی روایی سازه پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی، با چرخش واریماکس موید وجود ۳ عامل سبک دلبستگی ایمن (نزدیک بودن)، اجتنابی (عکس سبک دلبستگی وابستگی) و دوسوگرا (سبک اضطرابی) در پرسشنامه بود. این سه عامل 30 درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند، بنابراین روایی سازه این پرسشنامه مورد تأیید است. همچنین برای بررسی روایی سازه پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد و نتایج نشان داد که این پرسشنامه دارای سه عامل سبک دلبستگی ایمن (نزدیک بودن)، اجتنابی (عکس سبک دلبستگی وابستگی) و دوسوگرا (سبک اضطرابی) است و بنابراین روایی سازه این پرسشنامه مورد تأیید است (نیکوگفتار، 1392).

۳- پرسشنامه باور به دنیای عادلانه: این پرسشنامه توسط ساتون و داگلاس^۱ (2005)؛ دالبرت، لیکبوس، سالی و گوچ^۲ (2001) طراحی شده است و توسط گل پرور و عریضی (1385) ترجمه و اعتباریابی شده است. تعداد سؤالات این پرسشنامه ۲۷ سؤال بوده و ۴ خرده مقیاس، باورهای دنیای عادلانه برای خود شامل سؤالات ۱ تا ۸، باورهای دنیای عادلانه برای دیگران شامل سؤالات ۹ تا ۱۶، باورهای دنیای عادلانه عمومی شامل سؤالات ۱۷ تا ۲۳ و باورهای دنیای ناعادلانه شامل سؤالات ۲۴ تا ۲۷ را اندازه‌گیری می‌کنند. طیف نمره‌گذاری سؤالات بر اساس لیکرت (کاملاً مخالفم، ۱؛ مخالفم، ۲؛ نظری ندارم، ۳؛ موافقم، ۴؛ کاملاً موافقم، ۵) است. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۲۷ تا ۵۴ باشد، باورهای

1- Sutton & Douglas

2- Dalbert, Lipkus, Sallay & Goch

دنیای عادلانه در این جامعه ضعیف؛ بین ۵۴ تا ۸۱ باشد، باورهای دنیای عادلانه در سطح متوسطی و در صورتی که نمرات بالای ۸۱ باشد، باورهای دنیای عادلانه بسیار خوب می‌باشد. این پرسشنامه را گل‌پرور و عریضی (۱۳۸۵) پایایی سنجی کرده و آلفای کرونباخ آن برای باورهای دنیای عادلانه برای خود ۰/۷۲ و برای باورهای دنیای عادلانه برای دیگران ۰/۸۴ گزارش شده است. در عین حال شواهدی از روایی همزمان و سازه‌ی این پرسشنامه‌ها ارائه کرده‌اند. براساس گزارش دالبرت و همکاران (۲۰۰۱) نیز مقیاس باورهای دنیای عادلانه عمومی دارای آلفای کرونباخ ۰/۸۸ می‌باشد و تک عاملی بودن آن نیز از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفته است. سجادیان و گل‌پرور (۱۳۸۵) نیز این پرسشنامه را در پژوهش خود استفاده نموده‌اند و پایایی آن را قابل قبول و مطلوب در حدود ۰/۹ گزارش کرده‌اند. این محققان در مورد سؤالات مربوط به باورهای دنیای ناعادلانه، آلفای کرونباخ را ۰/۵۳۱، ضرایب اسپیرمن- براون آن را ۰/۵۶۴، ضرایب گاتمن آن را ۰/۵۶۴ و ضریب بازآزمایی آن را با (فاصله دوماهه) ۰/۷۴ گزارش نموده‌اند. دالبرت و همکاران (۲۰۰۱)، آلفای کرونباخ ۰/۶۶ تا ۰/۶۷، شاخص همسانی ۰/۳۳ تا ۰/۳۴ را برای این سؤالات گزارش نموده‌اند.

یافته‌ها

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار سبک‌های دلبستگی و باورهای دنیای عادلانه

مؤلفه‌ها	گروه	میانگین	انحراف معیار
اضطرابی	خود آسیب رسان	۱۷/۱۰	۳/۵۵
	عادی	۱۶/۷۳	۳/۰۴
نزدیک بودن	خود آسیب رسان	۱۵/۹۴	۳/۳۸
	عادی	۱۸/۳۰	۳/۷۳

۳/۲۷	۱۷/۷۹	خود آسیب رسان	وابستگی
۳/۴۰	۱۷/۷۲	عادی	
۶/۹۰	۳۰/۵۰	خود آسیب رسان	باورهای دنیای عادلانه برای خود
۷/۷۱	۳۱/۱۸	عادی	
۶/۴۱	۳۱/۱۵	خود آسیب رسان	باورهای دنیای عادلانه برای دیگران
۶/۳۲	۳۰/۶۲	عادی	
۶/۰۳	۲۵/۰۸	خود آسیب رسان	باورهای دنیای عادلانه عمومی
۶/۲۸	۲۶/۱۷	عادی	
۳/۷۶	۱۴/۹۷	خود آسیب رسان	باورهای دنیای ناعادلانه
۳/۸۲	۱۲/۵۹	عادی	

طبق نتایج جدول شماره (۱)، میانگین و انحراف معیار به ترتیب برای سبک دلبستگی اضطرابی در افراد خود آسیب رسان (۱۷/۱۰ و ۳/۵۵) و در افراد عادی (۱۶/۷۳، ۳/۰۴)، سبک دلبستگی نزدیک بودن در افراد خود آسیب رسان (۱۵/۹۴ و ۳/۳۸) و در افراد عادی (۱۸/۳۰، ۳/۷۳)، سبک دلبستگی وابستگی در افراد خود آسیب رسان (۱۷/۷۹، ۳/۲۷) و در افراد عادی (۱۷/۷۲، ۳/۴۰) است. همچنین برای مؤلفه باورهای دنیای عادلانه برای خود در افراد خود آسیب رسان (۳۰/۵۰ و ۶/۹۰) و در افراد عادی (۳۱/۱۸، ۷/۷۱)، باورهای دنیای عادلانه برای دیگران در افراد خود آسیب رسان (۳۱/۱۵ و ۶/۴۱) و در افراد عادی (۳۰/۶۲، ۶/۳۲)، باورهای دنیای عادلانه عمومی در افراد خود آسیب رسان (۲۵/۰۸ و ۶/۰۳) و در افراد عادی (۲۶/۱۷، ۶/۲۸)، باورهای دنیای ناعادلانه برای خود در افراد خود آسیب رسان (۱۴/۹۷ و ۳/۷۶) و در افراد عادی (۱۲/۵۹، ۳/۸۲)، است.

فرضیه اول: بین سبک‌های دلبستگی نوجوانان دختر با رفتارهای خودآسیب رسان و عادی تفاوت وجود دارد.

جدول ۲: نتایج آزمون لوین جهت تعیین برابری واریانس‌ها

متغیر	F	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	سطح معناداری
وابستگی	۰/۰۰۱	۱	۱۹۸	۰/۹۷۱
اضطرابی	۰/۶۷۸	۱	۱۹۸	۰/۴۱۱
نزدیکی	۰/۹۵۱	۱	۱۹۸	۰/۳۳۱

این آزمون در سطح معناداری ۹۵٪ انجام گرفته و با توجه به F حاصل از جدول لوین برای سبک وابستگی (۰/۰۰۱) و سطح معناداری (۰/۹۷۱)، سبک اضطرابی (۰/۶۷۸) و سطح معناداری (۰/۴۱۱)، نزدیک بودن (۰/۹۵۱) و سطح معناداری (۰/۳۳۱)، همسانی واریانس‌ها تأیید می‌شود.

جدول ۳: نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) بر روی

سبک‌های دلبستگی

منبع تغییر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	ضریب اتا
مدل	وابستگی	۶۳۰۴۸/۰۰۵	۱	۶۳۰۴۸/۰۰۵	۵۶۴۶/۷۲۸	۰/۰۰۰	۰/۹۶۶
	اضطرابی	۵۷۲۲۳/۴۴۵	۱	۵۷۲۲۳/۴۴۵	۵۲۱۹/۶۰۲	۰/۰۰۰	۰/۹۶۳
	نزدیکی	۶۱۲۱۵/۰۰۵	۱	۶۱۲۱۵/۰۰۵	۴۸۲۰/۴۸۲	۰/۰۰۰	۰/۹۶۱
گروه	وابستگی	۰/۲۴۵	۱	۰/۲۴۵	۰/۰۲۲	۰/۸۸۲	۰/۰۰۰
	اضطرابی	۶/۸۴۵	۱	۶/۸۴۵	۰/۶۲۴	۰/۴۳۰	۰/۰۰۳
	نزدیکی	۴۸۳/۶۰۵	۱	۴۸۳/۶۰۵	۳۸/۰۸۲	۰/۰۰۰	۰/۱۶۱
خطا	وابستگی	۳۲۱۰/۷۵۰	۱۹۸	۱۱/۱۶۵			
	اضطرابی	۲۱۷۰/۷۱۰	۱۹۸	۱۰/۹۶۳			
	نزدیکی	۲۵۱۴/۳۹۰	۱۹۸	۱۲/۶۹۹			

بر اساس اطلاعات جدول (۳)، در خصوص سبک وابستگی، با توجه به مقدار f بدست آمده (۰/۰۲۲)، سطح معناداری (۰/۸۸۲) و ضریب اتا (۰/۰۰۰) نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین میانگین سبک دلبستگی وابستگی نوجوانان دختر با رفتارهای خودآسیب رسان

و عادی تفاوت معنی داری وجود ندارد. همچنین در خصوص سبک اضطرابی، با توجه به مقدار f بدست آمده (۰/۶۲۴)، سطح معناداری (۰/۴۳۰) و ضریب اتا (۰/۰۰۳) نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین میانگین سبک دلبستگی اضطرابی نوجوانان دختر با رفتارهای خودآسیب رسان و عادی تفاوت معنی داری وجود ندارد. اما در سبک نزدیک بودن، با توجه به مقدار f بدست آمده (۳۸/۰۸۲)، سطح معناداری (۰/۰۰۰) و ضریب اتا (۰/۱۶۱) نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین میانگین سبک دلبستگی نزدیک بودن نوجوانان دختر با رفتارهای خودآسیب رسان و عادی تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به مقادیر میانگین، میانگین سبک نزدیک بودن در گروه خودآسیب رسان (۱۵/۹۴) و در گروه عادی (۱۸/۳۰) است که نشانگر پایین بودن میانگین سبک نزدیک بودن نوجوانان دختر با رفتارهای خودآسیب رسان نسبت به گروه عادی است.

فرضیه دوم: بین باور به دنیای عادلانه نوجوانان دختر با رفتارهای خودآسیب رسان و عادی تفاوت وجود دارد.

جدول ۴: نتایج آزمون لوین جهت تعیین برابری واریانس‌ها

متغیر	F	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	سطح معناداری
باورهای دنیای عادلانه برای خود	۳/۶۲۶	۱	۱۹۸	۰/۰۵۸
باورهای دنیای عادلانه برای دیگران	۰/۱۵۹	۱	۱۹۸	۰/۶۹۱
باورهای دنیای عادلانه عمومی	۰/۰۲۷	۱	۱۹۸	۰/۸۷۰
باورهای دنیای ناعادلانه	۰/۰۲۸	۱	۱۹۸	۰/۸۶۸

این آزمون در سطح معنا داری ۰/۰۵٪ انجام گرفته و با توجه به F حاصل از جدول لوین برای مؤلفه باورهای دنیای عادلانه برای خود (۳/۶۲۶) و سطح معناداری (۰/۰۵۸)، باورهای دنیای عادلانه برای دیگران (۰/۱۵۹) و سطح معناداری (۰/۶۹۱)، باورهای دنیای عادلانه عمومی (۰/۰۲۷) و سطح معناداری (۰/۸۷۰) و باور دنیای ناعادلانه (۰/۰۲۸) و سطح معناداری (۰/۸۶۸)، همسانی واریانس‌ها تأیید می‌شود.

جدول ۵: نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) بر روی باورهای دنیای عادلانه

منبع تغییر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	ضریب اتا
مدل	باورهای دنیای عادلانه برای خود	۱۹۰۲۵۴/۳۵۵	۱	۱۹۰۲۵۴/۳۵۵	۳۵۹۴/۴۳۵	۰/۰۰۰	۰/۹۴۷
	باورهای دنیای عادلانه برای دیگران	۱۹۰۸۵۹/۴۲۰	۱	۱۹۰۸۵۹/۴۲۰	۴۷۰۲/۸۷۵	۰/۰۰۰	۰/۹۶۰
	باورهای دنیای عادلانه عمومی	۱۳۱۳۴۲/۲۵۱	۱	۱۳۱۳۴۲/۲۵۱	۳۴۶۲/۰۳۲	۰/۰۰۰	۰/۹۴۶
	باورهای دنیای ناعادلانه	۳۷۹۷۷/۶۸۰	۱	۳۷۹۷۷/۶۸۰	۲۶۳۵/۵۸۳	۰/۰۰۰	۰/۹۳۰
گروه	باورهای دنیای عادلانه برای خود	۲۲/۸۲۸	۱	۲۲/۸۲۸	۰/۴۲۶	۰/۵۱۵	۰/۰۰۲
	باورهای دنیای عادلانه برای دیگران	۱۴/۲۹۱	۱	۱۴/۲۹۱	۰/۳۵۲	۰/۵۵۴	۰/۰۰۲
	باورهای دنیای عادلانه عمومی	۵۹/۱۰۵	۱	۵۹/۱۰۵	۱/۵۵۸	۰/۲۱۳	۰/۰۰۸

۰/۰۹۰	۰/۰۰۰۰	۱۹/۶۵۵	۲۸۳/۲۲۰	۱	۲۸۳/۲۲۰	باورهای دنیای ناعادلانه	
			۵۳/۶۰۱	۱۹۸	۱۰۶۱۳/۰۵۹	باورهای دنیای عادلانه برای خود	خطا
			۴۰/۵۸۴	۱۹۸	۸۰۳۵/۵۴۵	باورهای دنیای عادلانه برای دیگران	
			۳۷/۹۳۸	۱۹۸	۷۵۱۱/۷۰۶	باورهای دنیای عادلانه عمومی	
			۱۴/۴۱۰	۱۹۸	۲۸۵۳/۱۰۰	باورهای دنیای ناعادلانه	

بر اساس اطلاعات جدول (۵)، در خصوص باورهای دنیای عادلانه برای خود، با توجه به مقدار f بدست آمده (۰/۴۲۶)، سطح معناداری (۰/۵۱۵) و ضریب اتا (۰/۰۰۲) نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین میانگین باورهای دنیای عادلانه برای خود در نوجوانان دختر با رفتارهای خودآسیب رسان و عادی تفاوت معنی داری وجود ندارد. همچنین در خصوص باورهای دنیای عادلانه برای دیگران، با توجه به مقدار f بدست آمده (۰/۳۵۲)، سطح معناداری (۰/۵۵۴) و ضریب اتا (۰/۰۰۲) نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین میانگین باورهای دنیای عادلانه برای دیگران در نوجوانان دختر با رفتارهای خودآسیب رسان و عادی تفاوت معنی داری وجود ندارد. در مؤلفه باورهای دنیای عادلانه عمومی، با توجه به مقدار f بدست آمده (۱/۵۵۸)، سطح معناداری (۰/۲۱۳) و ضریب اتا (۰/۰۰۸) نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین میانگین باورهای دنیای عادلانه عمومی در نوجوانان دختر با رفتارهای خودآسیب رسان و عادی تفاوت معنی داری وجود ندارد. اما در باورهای دنیای

ناعادلانه، با توجه به مقدار f بدست آمده (۱۹/۶۵۵)، سطح معناداری (۰/۰۰۰) و ضریب اتا (۰/۰۹۰) نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین میانگین باورهای دنیای ناعادلانه در نوجوانان دختر با رفتارهای خودآسیب رسان و عادی تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به مقادیر میانگین، میانگین باورهای دنیای ناعادلانه در گروه خودآسیب رسان (۱۴/۹۷) و در گروه عادی (۱۲/۵۹) است که نشانگر بالاتر بودن میانگین باورهای دنیای ناعادلانه در نوجوانان دختر با رفتارهای خودآسیب رسان نسبت به گروه عادی است.

نتیجه گیری

براساس یافته‌های حاصل، فرضیه اول پژوهش، از بین سبک‌های دلبستگی تنها سبک نزدیک بودن بین دو گروه نوجوانان دختر با رفتارهای آسیب رسان و عادی تفاوت معنی-داری وجود دارد. به طوری میزان دلبستگی نزدیک بودن در گروه خودآسیب رسان پایین‌تر از گروه عادی بود. در این راستا مطالعات مختلف نشان داده‌اند که آسیب عمده‌ی به خود با سابقه بدرفتاری دوران کودکی ارتباط دارد (خانی پور و همکاران، ۱۳۹۵) همان‌طور که نتایج پژوهش میرغفاری شاهد (۱۳۹۶)، نشان داد که رابطه‌ی منفی معنی دار میان سبک دلبستگی ایمن و نمره خود زنی مشاهده شد. همچنین نتایج پژوهش پیوسته گر (۱۳۹۲) نشان داد خطر رفتارهای خودآسیبی در دانش آموزان دارای سبک دلبستگی ناایمن بالاست. نتیجه به دست آمده با نتیجه پژوهش‌های داویلام^۱ و همکاران (۲۰۰۵) همسو بوده و نشان می‌دهد دلبستگی ایمن، پایگاه مستحکمی برای نوجوانان مهیا می‌کند که به واسطه آن پاسخ‌های سازگارانه تری به محیط اطراف خود می‌دهند. احساس ایمنی لازمه

¹- Davilam

تحول سالم و غیر مرضی در فرد است و همانند تکیه گاهی محکم نوجوان را برای مقابله با مشکلات زندگی آماده می‌کند (بالبی، ۱۹۸۰، پیوسته گر، ۱۳۹۲). نوجوانان ایمن راهبردهای مقابله با تنش‌ها و مشکلات زندگی را از والدین خود آموخته‌اند (چپمن^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). به همین دلیل این نوجوانان در مقابل مسائل و مشکلات به طور کارآمدتر و با توان حل مساله بالاتری برخورد می‌کنند و در مواقع دشواری‌های زندگی خشم خود را به طریق کنترل شده نشان می‌دهند، و این ویژگی احتمال بروز هر نوع رفتار تکانشی و خود آسیب زنده در موقعیت‌های دشوار زندگی در آن‌ها را از بین می‌برد.

یافته دیگر پژوهش نشان داد، میزان باور به دنیای ناعادلانه در دختران با رفتارهای خود آسیب رسان بیشتر از افراد گروه عادی است. براساس مطالعات پیشین از پیامدهای منفی باور به دنیای عادلانه، افزایش استرس و دلهره، افسردگی و اضطراب، نارسایی در عملکردهای اجتماعی و تمایل به خودکشی است (فچن هوور، جاکوبز و بلس چاک، ۲۰۰۵؛ دزوکا و دالبرت، ۲۰۰۷). در باور به دنیای ناعادلانه باعث بدبینی و منفی‌نگری و رفتارهایی می‌شود که از طریق نفع شخصی بدون احساس الزام و تعهد به هیچ قاعده‌ی عادلانه‌ای تغذیه می‌شود. باور به دنیای عادلانه حس اعتماد و برعکس باور به دنیای ناعادلانه حس بی‌اعتمادی و بدگمانی را فراهم می‌کند. وقتی افراد دارای باور به دنیای عادلانه باشند و با بی‌عدالتی مواجه شوند (در شرایطی که نتوانند موقعیت را تغییر دهند) با علایمی شبیه به افسردگی یا دلیل تراشی و توجیه (مثل سرزنش قربانیان به بی‌عدالتی به عنوان کسانی که مستحق چنین بی‌عدالتی هستند) پاسخ می‌دهند. اما در مقابل افراد دارای باور به دنیای ناعادلانه، وقتی با بی‌عدالتی مواجه می‌شوند احتمالاً با سوگیری خدمت به خود و با بدگمانی و سوء ظن پاسخ می‌دهند (گل پرور، ۱۳۸۹).

1 - Chapman

با توجه به نتایج پژوهش، مبنی بر نقش سبک دلبستگی در بروز رفتارهای خود آسیب رسانی نوجوانان پیشنهاد می‌گردد، برنامه‌های آموزشی در مدارس و رسانه‌های جمعی، به منظور بهبود کیفیت روابط والد- فرزند و به تبع آن کنترل و پیشگیری از رفتارهای خودآسیب رسانی در نوجوانان، اجرا گردد. همچنین از طریق به کارگیری رویه‌های عادلانه و منصفانه در محیط جامعه و درون خانواده، به کاهش باورهای دنیای ناعادلانه در نوجوانان کمک شود. با توجه محدودیت‌های پرسشنامه بهتر است در پژوهش‌های بعدی از روش‌های دیگر مانند مصاحبه ساختار دار و بی ساختار نیز استفاده گردد. همچنین، متغیرهایی نظیر (طبقه اجتماعی، اقتصادی والدین، عوامل بیولوژیکی، ویژگیهای شخصیتی و سلامت روان نوجوانان) کنترل و از روش نمونه گیری تصادفی متناسب با جوامع آماری دیگر استفاده شود.

منابع

- ۱) بهشتی، رقیه، صابری، هائیده (۱۳۹۷). «پیش بینی رضایت از زندگی بر اساس باور به دنیای عادلانه و ویژگی‌های شخصیتی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی رودهن»، **پژوهش‌های کاربردی در مشاوره**، سال اول، شماره ۲، ۵۰-۲۷.
- ۲) پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). «بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانی»، **پایان نامه دکتری روانشناسی**، دانشگاه تهران.
- ۳) پیوسته گر، مهرانگیز (۱۳۹۲). «شیوع رفتار خودآسیبی عمدی و رابطه‌ی آن با احساس تنهایی و سبک دلبستگی در دانش آموزان دختر». **فصلنامه مطالعات روان شناختی**، دوره نهم، شماره ۳، ۵۱-۲۹.
- ۴) حکیم شوشتری، میترا؛ خانی پور، حمید (۱۳۹۳). «مقایسه خودآسیب رسانی و اقدام به خودکشی در نوجوانان: مرور نظام مند». **مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران**. بهار، سال بیستم، شماره ۱، ۱۳-۳.
- ۵) خانی پور، حمید، برجعلی، احمد، فلسفی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۵). «خود جرحی بدون خودکشی در نوجوانان بزهدار و نوجوانان با سابقه بدرفتاری دوران کودکی: انگیزه‌ها و احتمال خودکشی». **فصلنامه افراد استثنایی**، سال ششم، شماره ۲۱، بهار.
- ۶) خانی پور، حمید (۱۳۹۵). «رفتارهای خودآسیب رسانی در نوجوانان: ماهیت، احتمال خودکشی و نقش عوامل روان شناختی و همسالان». **رساله دکتری** دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۷) دلاور، علی (۱۳۹۱). **روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی**. ویراست چهارم، نشر ویرایش.
- ۸) شاکری، ناصر، حکیمه آقایی؛ زهرا شاه حسینی و سحر بینا (۱۳۹۷). «رابطه باور به دنیا عادلانه و نا عادلانه با حالات روانشناختی مثبت در والدین کودکان با نیازهای خاص»، **اولین کنگره بین‌المللی و پنجمین کنگره ملی آموزش و سلامت کودکان پیش از دبستان**، تهران، گروه آموزشی پیش از دبستان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۹) گل پرور، محسن (۱۳۸۹). «ساختار عاملی پرسشنامه باور به دنیای عادلانه رابین و پیلانو (شواهدی از تمایز به باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه)». **فصلنامه نشریه اندیشه و رفتار**، دوره پنجم، شماره ۱۸، ۲۰-۷.

۱۰) گل پرور، محسن، عریضی، محمدرضا (۱۳۸۵). «مقایسه نگرش زنان و مردان اصفهانی نسبت به باور به دنیای عادلانه برای مردان و زنان». **مجله پژوهش زنان**، دوره چهارم، شماره ۱۶، ۹۵-۱۱۴.

۱۱) میرغفاری شاهد، ساناز (۱۳۹۶). «رابطه میان سبک‌های دلبستگی و آسیب به خود در نوجوانان شهر تهران». **چهارمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روان‌شناسی**. تیرماه، تهران.

۱۲) نیکوگفتار، منصوره (۱۳۹۲). «نقش سبک دلبستگی و کانون کنترل سلامت بر رفتارهای خودمراقبتی بیماران مبتلا به دیابت»، **مجله دیابت و متابولیسم ایران (مجله دیابت و لیپید ایران)**، فروردین و اردیبهشت، دوره ۱۲، شماره ۴، ۳۱۶-۳۰۹.

۱۳) یاس فرد، غزال (۱۳۹۷). «مقایسه اثربخشی رفتاردرمانی دیالکتیکی با درمان کوتاه مدت راه حل محور به شیوه گروهی بر عزت نفس، تنظیم شناختی هیجان و رفتار خود جراحی غیر خودکشی در دختران دوره متوسطه شهرستان پردیس»، **پایان نامه کارشناسی ارشد** دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

- 14) Chapman, A. L., & Dixon-Gordon, K. (۲۰۰۷). Emotional antecedents and consequences of deliberate self-harm and suicide attempts. *Life-Threatening Behavior*, ۳۷, ۵۵۲-۵۴۳.
- 15) Collins, N. L., & Read, S. J. (۱۹۹۴). Cognitive representations of attachment: The structure and function of working models. In K. Bartholomew & D. Perlman (Eds.), *Advances in personal relationships*, Vol. ۵. Attachment processes in adulthood (pp. ۹۰-۵۳). London, England: Jessica Kingsley Publishers.
- 16) Davilam J.Ramsay M & Stienberg,S. (۲۰۰۵). Attachment as vulnerability to the development of psychopathology. E.D.L.Hankin&J.R.Abel(Eds).development of psychopathology. A vulnerability. stress perspective.pp. (۲۴۲-۲۱۵).

- 17) Dzuka, J., & Dalbert, C. (۲۰۰۷). Student violence against teachers: Teachers well-being and the belief in a just world. *European Psychologist*, ۱۲, ۲۶۰-۲۵۳.
- 18) Favazza, A.R. (۱۹۹۸). The coming of age of self-mutilation. *Journal of nervous and mental disease*, ۲۷۸-۱۸۶'۲۵۹.
- 19) Fergusson DM, Horwood LJ. (۱۹۹۵). Transitions to cigarette smoking during adolescence. *Addict Behav*; ۲۰(۵): ۴۲-۶۲۷.
- 20) Fetchenhauer, D., Jacobs, G., & Belschak, F. (۲۰۰۵). Belief in a just world, causal attributions, and adjustment to sexual violence. *Social Justice Research*, ۱۸, ۴۲-۲۵.
- 21) Klonsky, E. D. (۲۰۰۷). The functions of deliberate self-injury: A review of the evidence. *Clinical psychology Review*, ۲۷, ۲۳۹-۲۲۶.
- 22) Klonsky, E.D., Glen, C.R. (۲۰۱۱). Assessing the functions of Non-suicidal Self-injury: Psychometric properties of the inventory of statements about self-injury (ISAS). *Journal of psychopathological behavior assessment*. ۳۱, ۲۱۹-۲۱۵.
- 23) Nock, M. (۲۰۱۰). Self-injury. *American review clinical psychology*, ۶(۲), ۵۲-۳۱. Ochsner, K. N., & Gross, J. J. (۲۰۰۵). The cognitive control of emotion. *Trends in Cognitive Sciences*, ۹, ۲۴۹-۲۴۲
- 24) Nock, matthew k & Michelle, wedig, (۲۰۰۷). "Parental Expressed Emotion and Adolescent Self-Injury" *American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, pp. ۱۱۷۸-۱۱۷۱.
- 25) Sater, J. M.. (۲۰۱۰). In the eyes of the beholder: Cognitive attachment as mediators of the association between interparental attachment and youth personality, *Journal of Family Psychology*, ۱۹, -۳۷۶